

## عنوان مقاله:

جنگ اقتصادی آمریکا علیه چین با تاکید بر نظریه سازه انگاری

## محل انتشار:

فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره 6، شماره 3 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

احسان جعفری فر - دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

هادی ذکاء دادگستر - دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

بعد از فروپاشی شوروی جهان تک قطبی با هژمونیا آمریکا با ظهور قدرت های نوظهور از جمله چین موجب تقویت ایده تحول نظام بین المللی از تک قطبی به چندقطبی شده است. مسئله این پژوهش این است که علی رغم ادعای چین بر مسالمت آمیز بودن خیزش اقتصادی این کشور ولی محافل و سیاستمداران آمریکایی را اقناع نمی کند. از همین رو این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه ای گردآوری شده به دنبال پاسخ به این پرسش برآمده است که دیدگاه ها و سیاست های آمریکا در قبال خیزش اقتصادی چین چیست؟ یافته پژوهش نشان می دهد که خیزش اقتصادی چین همراه با سیاست های اقتصادمحو بوده است. این سیاست ها شامل عضویت و ایجاد سازمان های بین المللی، طرح های بین المللی همچون احیای جاده ابریشم، سرمایه گذاری و وام دهی است. بر طبق تحلیل ها در چارچوب نظریه سازه انگاری باید گفت که از نظر آمریکا خیزش مسالمت آمیز موجب رفع اتهام تهدید جدی این کشور به عنوان یک کشور تجدید نظر طلب نمی شود. دلیل نگرانی آمریکا عمدتاً از موقعیت هژمونیک آن در سیاست جهانی و ناسازگاری ایدئولوژیک چین با نظام ارزشی غرب ناشی می شود. بر مبنای همین دیدگاه آمریکا اقناع شده است که باید در راستای مهار چین اقدامات عملی از جمله آغاز جنگ تجاری، سد نفوذ اقتصادی و استفاده از اهرم های فشارهای غیراقتصادی را در پیش بگیرد.

## کلمات کلیدی:

چین، ایالات متحده آمریکا، جنگ اقتصادی، شرق آسیا، سازه انگاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1743253>

